

نظریه جامعه

و

جنسیت

دکتر عباس موسوی اصل



۱۳۹۹

سر: ناسه: محمدی اصل، عباس، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: نظریه جامعه و جنسیت/ عباس محمدی اصل.

مشخصات نشر: تهران: دیبای دانش، شمع دانش: ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص. شابک: ۷-۱۸-۶۴۴۴-۶۳۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: نقش جنسیت - جنبه‌های جامعه‌شناسی

Sex role- Sociological aspects

موضوع: هویت جنسی - جنبه‌های اجتماعی

Gender identity—Social aspects

موضوع: بندی کتگروه: HQ۱۰۷۵

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۳

آرک. کتابشناسی ملی: ۶۱۲۱۱۳۹



عنوان: نظریه جامعه و جنسیت

مؤلف: دکتر عباس محمدی اصل

نوبت و تاریخ چاپ: اول ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ: روز

قیمت: ۱۹۰۰۰۰ ریال

تهران - میدان انقلاب - ابتدای کارگر جنوبی - کوچه رشتچی - پلاک ۴ - واحد ۴.

تلفن: ۶۶۹۲۲۰۲۷ همراه: ۰۹۱۲۴۸۵۹۵۶۴

پست الکترونیک:

Diba_Danesh@yahoo.com

Telegram.me/diba_danesh

Instagram.com/dibayedaneshpub

www.dibayedanesh.ir

فهرست

۷	 سخنی با خواننده
۱۱	 مقدمه
۱۷	 مردانگی، امر اجتماعی
۲۳	 معضله اجتماعی جنس
۳۳	 جنسیت و مدرنیته
۴۱	 شهروندی به نام زن
۴۷	 فصل جدید جامعه‌شناسی جنسیت
۵۷	 جنسیت تعاملی و نهال جنسیت
۶۵	 جنسیت، کودکی و زندگی خانوادگی
۷۱	 جنسیت و مشاغل
۷۷	 بود تفاوت‌ها در نبود نابرابری‌ها
۸۳	 استنتاج جنسیت در تاریخ نظریه اجتماعی
۹۱	 جمع‌بندی: نقد جنسیتی جامعه‌شناسی
۹۷	 منابع

سخنی با خواننده

نه زو پرهترتر به فرزانیگی
به تخت و بداد و به مردانیگی
فردوسی

پایه‌های نظریه اجتماعی بر مردانگی استوار شده است. کلاسیک‌های جامعه‌شناسی با تأکید بر موضوعاتی چون کارکرد و ساخت و تضاد و امثالهم به زنان جز در محدود مواردی اشارت نکردند. مردگرایی و کنش و کارگزاری را جز در رابطه با مردان پی نگرفتند. هستی‌شناسی جنسیتی از امر اجتماعی نمی‌توانست در پی‌آوردیم مذکر جز این تجسمی پذیرد تا بازتولید انقیاد نانه را بر آورد.

تلاش‌های اولیه جامعه‌شناختی برای استقرار تعادل، جنسی و تنسيق روابط جنسیتی در قرن ۱۹ میلادی مثلاً به تناسب مباحث شریونی خانواده، هم‌جنس-خواهی و نظایر آنها پا گرفت. اگر به عنوان نمونه قرار بود جنس‌گرایی رسمیت یابد، مسئله آزادی گرایش جنسی زنان از این حیث به معضل مبدل می‌شد و تهدیدی بالقوه برای کنترل عقلانی نظم ناظر به کارکرد شهروند و کارگر و استدلال‌ها را از این رو نظم اجتماعی شمرده می‌شد که البته مرد بودند یا فرض می‌شد هستند.

اگر تحلیل یگانگی اجتماعی در پناه فردگرایی از تمایزبایی شخصیتی زنان و مردان دامن کشد، معلوم است که چه بر سر نظریه جامعه‌شناختی خواهد آمد و لااقل آن را شریک ستم جنسیتی می‌سازد و به جای حذف زنان از قلمرو اجتماعی و شهروندی، ویژگی‌های مذکر مثل خودپرستی و نه حتی خودخواهی برای رقابت

اقتصادی مفیدتر از ویژگی‌ها زنانه مثل نودوستی و مراقبت از دیگران شمرده می‌شود تا مبدا فضائل خیرالنسائی از عرصه خصوصی پای به عرصه عمومی گذارد و تقسیم کار اجتماعی را مختل کند. تضمین فرصت‌های شهروندی زنان برای تحصیلات و مشاغل حرفه‌ای اما بنا به نیاز سرمایه‌داری دست می‌دهد و آن هم البته در مشاغل نزدیک به خانه‌داری یا تحمیل‌کننده فشار مضاعف به ایشان در راستای برآوردن هر دوی خانه‌داری و مشاغل درآمدزا. اینجا است که نظریه جامعه‌شناسی در نهاد سازی این علم به انعکاس مجدد بنیاد بیولوژیکی تمایزات جنسیتی در نقش-آفرینی زنان، پردازد تا مگر شهروندی او محل نظم مینوی ننماید. (Udry, 2000)

این وجود است که گرچه زنان نظریه‌پردازانی چون هریت مارتینیو بنیاد مردانگی در جامعه ماسی را به چالش کشیدند؛ اما نظریه‌پردازان بعدی کمتر از او ملهم شدند یا دست کم به تفاوت از کنار ظرایف کار وی مثل نفی ابتدای نابرابری‌های جنسیتی، ریسک‌سناسی گذشته تا تراحمی میان تولید اجتماعی تفاوت و نابرابری ایجاد نکنند. در بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ (Hogbe, 2016) و حل بر ساختی مسائل جنسیتی در رأی (Burrell, 2004) و حق بدن (Hogbe, 2016) و توانمند سازی اینترنتی زنان خصوصاً در شبکه‌های اجتماعی و در تعامل با مردان (Chamberlain, 2017)، رابطه‌ای وثیق با جامعه‌شناسی داشتند که نتوانست بحران‌های مدرنیته را به‌یژه سوءاستفاده از قدرت را در غیاب جنسیت به نحوی راهگشا تبیین کند و غذاهایی چون آزادی و فردگرایی و فرصت‌های برابر و تحرک اجتماعی و عدالت‌طلبی در قبال کسب دستمزد برای کار مساوی و نفی تجاوز و حفظ مصونیت جسمانی زنان و صلح بخشد و تنها به واسطه بین‌رشته‌ای شدنش مجدداً به آن پرداخت. این با وجودی است که بازنگری جنسیتی جامعه‌شناسی اینک به الزامی عمده مبدل شده و به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان از زیر آن شانه خالی کرد. خصوصاً که محرومیت زنان از نظریه‌پردازانی اجتماعی با رشد تعداد زنان دانشگاهی و نظریه‌پردازان نیز قرین شده و عصر پسامدرن نیز جز به گذار از دوگانگی‌های سنتی رضایت نمی‌دهد تا امتیازات مثلاً مردانه به

بهبانه تحلیل طبیعت زن طبیعی تداوم پذیرد. کارگزاری تحول ساخت جامعه و رهایی حاصل از بازاندیشی اجتماعی هم البته جز این اقتضایی ندارد که اگر زن از زندگی محروم شده و لیکن زندگی نمی‌تواند بدون زن دوام آورد.

اینک ترکیب بنیادین جنسیت با مباحث جامعه‌شناسی برای نظریه‌پردازی راجع به موضوعاتی چون سرمایه و اعتماد اجتماعی یک ضرورت است و موضوعاتی مانند عقلانیت، کنش، خانواده به عنوان الگوی فضیلت‌های مدنی، مشارکت مدنی و انتقال بین‌اسلم، فرهنگ نمی‌تواند در غیاب این موضع و پیامدهایش مثلاً برای تقسیم کار جنسیتی در جامعه، چه دهد. امکان تکوین بیناذهنیتی زیست‌جهان‌های زنانه هم در نظام اجتماعی می‌تواند از این حیث منادی تناسب روابط نمادین و قدرت مادی برای بازاندیشی در طریق، روش‌الار، باشد که طلایه‌های آن در عصر جهانی‌شدن طالع شده است.

عباس محمدی اصل

دانشگاه علامه طباطبائی